



اسم رمز؛ ماجراجو!

# کلاه و شلاق و زنجیر



هومن جعفری

خبرنگار

«کلاه، شلاق و یک عالمه ماجراجویی!» به هر عشق فیلمی این عبارت را بگویند، مستقیماً به مجموعه فیلم‌های «ایندیانا جونز» اشاره می‌کند.

این اسم رمز است. اسم رمز هیجان و ماجراجویی و اکتشاف. اسم رمز گشتن در خرابه‌های باستانی، نجات پیدا کردن از تله‌های مرگبار قدیمی و یافتن گنجینه‌ها و دینه‌های هزاران ساله. ایندیانا جونز، اسم رمز است. اسم رمزی برای حال خوب و فقط اهالی سینما می‌دانند که چقدر لذت دارد اعتماد کردن به برندی که در طول پنج دهه، ذره‌ذره، آجر به آجر، اعتماد مخاطبش را به دست آورده و جنس بد دست کسی نداده.

سری بزینم به دنیای باستان شناس پیر و بینیم چه چیزی او را تا این اندازه در دنیای سینما و عشاقش، محبوب ساخته. در حقیقت می‌توانیم در پیام‌های که باعث شدند ایندیانا جونز تا این اندازه در صنعت فیلمسازی موفق و محبوب باشد، چیست!

## مغزهای متفکر پشت کار

ایده اصلی «ایندیانا جونز» برای «جرج لوکاس» بود که دوست

داشت یک شخصیت جذاب و مهیج بسازد. او و «اسپیلبرگ» پیرامون همکاری‌های مشترک با هم صحبت داشتند و اسپیلبرگ به او گفت که دلش یک چیز «جیمز باندی» می‌خواهد و لوکاس با خنده تاکید کرد که چیزی حتی بهتر از آن را دارد. هر دو بعد از بحث و صحبت پیرامون کار به این نتیجه رسیدند که این ایده حتی از باند هم بهتر است و اساساً با یک جیمز باند دست خالی طرفند که خودکارهای زهرآگین و ساعت‌های منفجرشونده همراهش نیست!

حضور این دو کارگردان و مولف کهنه کار سبب شد ایندیانا جونز یکی از مورد اعتمادترین برنده‌های سینمایی باشد. چیزی که شما می‌دانید از تماشا کردنش پشیمان نخواهید شد. این دودر چهار فیلم نخست کاملاً همکار بودند. اسپیلبرگ چهار فیلم اول را برای دوست قدیمی‌اش کارگردانی کرد. فیلم پنجم را که تازه در کن به نمایش درآمده، جیمز منگولد کارگردانی کرده. درحقیقت «ایندیانا جونز و شمارنده سرنوشت» اولین فیلم از این مجموعه است که نه داستان‌ها را لوکاس نوشته و نه فیلمش را اسپیلبرگ کارگردانی کرده. پیرمردی، یک عنوان تهیه‌کننده اجرایی برای خودشان برداشتند و اجازه دادند تا جوان‌ترها کار را پیش ببرند.

## هیجان محض

چرا ایندیانا جونز جذاب است؟ برای این سوال دلیلی بهتر از

هیجان و ماجراجویی سراغ نداریم. او آخرین باستان شناس معروف دنیای هالیوود است که به اکتشاف می‌پردازد. طبیعتاً هالیوود و دنیای خیال پردازش، مکتشفین و باستان شناسان فراوانی را به تصویر کشیده که بعضی از آنها واقعی و عمده آنها شخصیت‌های داستانی هستند اما کسی به گرد پای ایندیانا جونز نمی‌رسد. شخصیت «لازا کرافت» قهرمان بسیار محبوب و مشهور دنیای بازی‌های کامپیوتری مستقیماً از روی ایندیانا جونز طراحی شده بود. لازا کرافت اولین بار در بازی «تامب رایدر» یا مهاجمان مقبره در سال ۱۹۹۶ به مخاطبان معرفی شد حتی اسم کار هم تقلیدی از نخستین فیلم ایندیانا جونز بود. لازا کرافت با در دست گرفتن یک شلاق و ورود به مقبره‌های ناشناخته و حل کردن معماهای باستانی، کپی زانهای از ایندیانا جونز بود که به تدریج تبدیل به یک سمبل فمینیستی شد. زنی با جذابیت‌های زنانه آشکار و بی‌اعتنا به مردان! داستان او را در روزی دیگر پیش خواهیم برد.

ایندیانا جونز یکی از مهیج‌ترین و ماجراجویانه‌ترین ساخته‌های نیم‌قرن اخیر هالیوود است. او در معابد، مقبره‌ها، بیابان‌ها، کوه‌ها و رودخانه‌های وحشی به دنبال گنج‌ها و تابوت‌های گمشده می‌گردد. در ابتدای قسمت سوم او به دانشجویان باستان‌شناسی تاکید می‌کند: «اون علامت ضررید روی نقشه، هیچ وقت معنی‌اش این نیست که گنج رو پیدا می‌کنی و ماجرا تموم میشه!» جمله‌ای که صد البته به تجارب تلخش در دو

قسمت سوم فرق دارد. او در فیلم «ایندیانا جونز و آخرین جنگ صلیبی» دوباره با نازی‌هایی طرف می‌شود که پدرش را ربوده‌اند و می‌کوشند تا جام مقدس مسیح را به دست بیاورند و برای هیتلر جاودانگی را رقم بزنند.

در قسمت چهارم که سال ۲۰۰۸ ساخته شد، آنها با روس‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند و حالا در آخرین فیلم دوباره با نازی‌ها خواهند جنگید. در پنج فیلم ایندیانا جونز، او سه بار با نازی‌ها طرف می‌شود و یک بار با روس‌ها و یک بار هم با دنیای کهنه

## نقش منفی‌های ایدئولوژیک

ایندیانا جونز در طول این پنج فیلم با نقش منفی‌های درجه‌یکی دست‌وپنجه نرم می‌کند که عمدتاً مربوط به قدرت‌های بزرگند. در فیلم نخست یعنی «ایندیانا جونز و صندوق گمشده» نازی‌ها طرف می‌شود. در قسمت دوم او باید کودکان را از یک معبد مرگ هندی نجات دهد و با دشمنانی بی‌نام و نشان بجنگد. در این قسمت فیلم بسیار تلخ و تیره است اما نقش منفی‌ها محلی هستند و سودا و رویای نابودی جهان را ندارند و به قدرت‌های بین‌المللی وابسته نیستند.

قسمت سوم فرق دارد. او در فیلم «ایندیانا جونز و آخرین جنگ صلیبی» دوباره با نازی‌هایی طرف می‌شود که پدرش را ربوده‌اند و می‌کوشند تا جام مقدس مسیح را به دست بیاورند و برای هیتلر جاودانگی را رقم بزنند.

در قسمت چهارم که سال ۲۰۰۸ ساخته شد، آنها با روس‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند و حالا در آخرین فیلم دوباره با نازی‌ها خواهند جنگید. در پنج فیلم ایندیانا جونز، او سه بار با نازی‌ها طرف می‌شود و یک بار با روس‌ها و یک بار هم با دنیای کهنه

و ناشناخته و بدوی. اگر فیلم دوم جای هند در مصر روایت می‌شد و نبرد او با مسلمانان رقم می‌خورد، ترکیب ایدئولوژیک دشمنان او تکمیل می‌شد. شاید تنها دلیل اینکه این اتفاق رقم نخورد، این است که گستره زمانی این فیلم مربوط به قبل و بعد از جنگ جهانی دوم است و اسلام آن موقع برایشان تهدید محسوب نمی‌شده است.

فیلم نخست در بازه زمانی سال ۱۹۳۶ به تصویر کشیده می‌شود. فیلم دومی یک سال به عقب‌تر برمی‌گردد تا پیش‌زمینه‌ای به فیلم اول باشد. فیلم سوم با یادآوری اتفاقاتی در ۱۹۱۲ آغاز می‌شود و به زمان حال یعنی سال ۱۹۳۸ برمی‌گردد که اوچ التهايات نازی‌ها قبل از جنگ جهانی دوم است. فیلم چهارم یعنی «ایندیانا جونز و قلمروی جمجمه بلورین» در ۱۹۵۷ رقم می‌خورد و این فیلم آخر از ۱۹۴۴ آغاز می‌شود و به ۱۹۶۹ برمی‌گردد!

## سخن آخر

ایندیانا جونز یک برند و سمبل جهانی است. خوب یا بد، دوستش داشته باشیم یا نه، او را نماد یک جریان استعماری بدانیم که با هدف اکتشاف می‌آید و با گنجینه‌های ملی فرار می‌کند یا نه، فرقی نمی‌کند. این یکی از سودده‌ترین فرانچایزهای تاریخ هالیوود است و دیزنی مالک فعلی این برند، قصد ندارد از پول درآوردن از آن دست بردارد!

# قهرمان کلاسیک و همه فن حریف آمریکایی!

## بازگشت قهرمان

-داستان فیلم چهارم ۱۹ سال بعد از قسمت قبلی اتفاق می‌افتد و در سال ۱۹۵۷ روایت می‌شود، ایندیانا بار دیگر خودش درگیر ماجرابی می‌یابد؛ ماجرای یک جمجمه بلورین که تصور می‌شود منشأ فرازمینی داشته باشد و این بار رقبایش به جای نازی‌ها، روس‌ها هستند. معشوقه ایندیانا یعنی ماریون ریون رود در این قسمت باز می‌گردد تا به او در این ماجراجویی خطیر کمک کند.

-فیلم چهارم بودجه عظیم ۱۸۵ میلیون یورویی داشت و طبق معمول در گیشه موفق بود، با فروشی معادل ۷۹۰ میلیون دلار که آن را به پرفروش‌ترین فیلم مجموعه تبدیل می‌کند.

-فیلم چهارم هم مانند قسمت دوم با نظرات مختلفی روبه‌رو شد؛ هرچند از نظر تجاری موفق بود اما منتقدان بر این عقیده بودند که جذابیت قسمت‌های قبلی را ندارد. همچنین صحنه‌های اکشن فیلم اغراق شده به نظر می‌رسیدند و حضور بیگانه‌ها در داستان، به این تناقض نظرات دامن زد.

## قهرمان یک بار دیگر بازمی‌گردد

هریسون فورد در دیگر در قامت ایندیانا جونز، ۹ تیرماه امسال به پرده قره‌ای بازمی‌گردد، قسمت پنجم گردانه سرنوشت (the Dial of Destiny) نام دارد. این بار اما اسپیلبرگ فیلم را کارگردانی نکرده و جورج لوکاس هم در داستان نقشی ندارد و در عوض در قامت تهیه‌کننده اجرایی حضور دارند. همچنین بازیگرانی مانند مدس میکلسن و آنتونیو باندراس در فیلم حضور دارند.

داستان فیلم بازمی‌گردد به رقابت ایندیانا و نازی‌ها بر سر به دست آوردن یک شیء اسرارآمیز می‌پردازد. برای قضاوت درباره کیفیت این فیلم هنوز بسیار زود است و باید منتظر اکران جهانی آن باشیم. آنچه مسلم است وداع هالیوود با یکی از برندهای تاریخی و پول‌ساز خود است که آینده این فرنچایز را نامشخص نگه می‌دارد. بدرود پیر مرد!

ریون رود، معشوقه ایندیانا است. و جان ریس دیویس هم در نقش صلاح در این فیلم حضور دارد.

-شخصیت ایندیانا جونز در واقع برگرفته از سریال‌های ماجراجویی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ آمریکا است. خالقان فیلم می‌خواستند نسخه مدرنی از قهرمانان این سریال‌ها بسازند.

-صحنه مشهوری در فیلم وجود دارد که در آن ایندیانا در یک بازارچه به شمشیرباز رقیب شلیک می‌کند! در واقع طبق فیلمنامه قرار بود ایندیانا با او با شمشیر مبارزه کند، اما هریسون فورد که در زمان فیلمبرداری اندکی ناخوش بود پیشنهاد این تغییر را داد تا از بازی در این صحنه طولانی خلاص شود! فیلم با نقدهای مثبتی روبه‌رو شد و حتی نامزد بهترین فیلم اسکار هم شد و چند جایزه اسکار شامل بهترین جلوه‌های ویژه و بهترین صداپردازی را به دست آورد.

-مهاجمان صندوق گمشده نه تنها آغاز راه ایندیانا جونز بود، بلکه به یک پدیده فرهنگی تبدیل شد و ایندیانا جونز را به یکی از قهرمانان نمادین تاریخ سینما تبدیل کرد. این فیلم راه را برای ساخت قسمت‌های بعدی هموار کرد و شخصیت ایندیانا را به نماد کاوشگران سینما تبدیل کرد.

## گذشته قهرمان

-وقایع فیلم در سال ۱۹۳۵ یعنی یک سال قبل‌تر از فیلم اول اتفاق می‌افتد، جایی که ایندیانا با کمک همراهانش به مقابله با یک قبيله خطرناک هندی می‌روند و البته در اینجا هم یک شیء باستانی و اسرارآمیز برای پیدا کردن وجود دارد.

-فیلم دوم بودجه‌ای بسیار بیشتر از اولی و معادل ۲۸ میلیون دلار داشت و هرچند به اندازه قسمت قبلی فروش نداشت، اما بازمی‌گردد از نظر تجاری موفق بود و ۳۳۲ میلیون دلار در گیشه‌ها به دست آورد.

## سینا سپهرآذر

خبرنگار

مجموعه فیلم‌های ایندیانا جونز (Indiana Jones) در ژانر ماجراجویی، فیلم‌های محبوبی هستند که از سال ۱۹۸۱ سینمادوستان را سرگرم کرده‌اند.

خالق این فیلم‌ها جورج لوکاس و کارگردانی آنها بر عهده استیون اسپیلبرگ بوده است. این مجموعه داستان‌های دکتر هنری والتون، ایندیانا جونز، یک باستان‌شناس و ماجراجو را روایت می‌کند.

تا به حال چهار فیلم از این مجموعه روانه سینماها شده است و قسمت پنجم همین چند روز پیش در جشنواره کن به نمایش درآمد و قرار است حدود یک‌ماه‌و نیم دیگر در سینماها اکران شود.

## آغاز راه قهرمان

-داستان در سال ۱۹۳۶ اتفاق می‌افتد و در آن ایندیانا جونز در رقابت با نازی‌ها به دنبال تابوت عهد که باور می‌رود دارای قدرت‌های فوق بشری است می‌رود؛ دستیابی نازی‌ها به این قدرت می‌تواند آنها را شکست‌ناپذیر کند و اینجاست که قهرمان آمریکایی وارد می‌شود! او در جست‌وجوی تابوت به مکان‌های مختلفی سفر می‌کند، با تله‌های مرگبار روبه‌رو می‌شود و در صحنه‌های اکشن ناب با نازی‌ها می‌جنگد.

-مهاجمان صندوق گمشده در سال ۱۹۸۱ با بودجه‌ای بالغ بر ۱۸ میلیون دلار توسط جورج لوکاس و به کارگردانی اسپیلبرگ ساخته شد. فیلم موفقیت تجاری بسیار عظیمی کسب کرد و ۳۸۹ میلیون دلار فروش داشت که آن را به پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۹۸۱ تبدیل کرد؛ اگر نرخ تورم را در نظر بگیریم هنوز هم جزء پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ است.

-شخصیت ایندیانا اصولاً با ایفای نقش هریسون فورد شناخته می‌شود، کسی که به این شخصیت دلربایی، بدله‌گویی و هوش سرشارش را هدیه داد. دیگر بازیگری که در این مجموعه شناخته شده است، کارن آلن در نقش ماریون